سبک‌های فرزندپروری دانشجویان مادر دانشگاه علوم پزشکی اصفهان: نقش جهت‌گیری مذهبی

صابر جوادی [۱] / محمدرضا احمدی [۲] / احد امیدی [۳]

چکیده

هدف پژوهش، حاضر بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری با جهت‌گیری مذهبی است. روش پژوهش از نوع توصیفی ـ همبستگی و جامعه آماری نیز شامل دانشجویان خانم دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در سال ۱۳۹۹ هستند. نمونه‌ای با حجم ۱۰۱ نفر از خانم متأهل و دارای فرزند، به‌صورت نمونه در دسترس و داوطلب، انتخاب و برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه‌های جهت‌گیری مذهبی آلپورت و سبک‌های فرزندپروری دیانا بامریند استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با آزمون‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون هم‌زمان و به کمک نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ انجام شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که رابطه میان جهت‌گیری مذهبی درونی با سبک فرزندپروری مستبدانه در سطح (۰/۰۵) مثبت و معنادار است. همچنین رابطه جهت‌گیری مذهبی بیرونی با سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه در سطح (۰/۰۱) و سبک فرزندپروری مقتدرانه در سطح (۰/۰۵) مثبت و معنادار به دست آمد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که جهت‌گیری مذهبی بیرونی نقش مهمی در پیش‌بینی سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه مادران دارد و از سوی دیگر جهت‌گیری مذهبی درونی پیش‌بینی کننده معناداری برای سبک فرزندپروری مستبدانه بود.

واژگان کلیدی: جهت‌گیری مذهبی درونی، جهت‌گیری مذهبی بیرونی، سبک فرزندپروری مقتدرانه، سبک فرزندپروری مستبدانه، سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه.

---

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ﷺ (نویسنده مسئول) javadisaber.1371@gmail.com

۲. استادیار گروه روان‌شناسی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ﷺ m.r.ahmadi@iki.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری روان‌شناسی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ﷺ omidi.ahad@gmail.com

مقدمه

خانواده، یکی از عوامل اساسی شکل‌گیری شخصیت کودک و اولین بذر تکوین رشد فردی و پایه اساسی شخصیت آدمی است. اولین پایه‌های تربیتی و آموزشی، همیشه از خانواده شروع می‌شود و سپس به دست جامعه ادامه می‌یابد. خانه و خانواده، نخستین محیط اجتماعی است که کودک را تحت سرپرستی و مراقبت قرار می‌دهد. از این‌رو خانواده بیش از تمام محیط‌های اجتماعی دیگر در رشد و تکامل فرد تأثیر دارد و کودک پیش از اینکه از اوضاع اجتماعی متأثر شود، تحت تأثیر سبک فرزندپروری خانواده است. (ساعتچی، کامکاری، عسگریان، ۱۳۸۹، ص ۲۴۱) خانواده، نخستین و بادوام‌ترین عاملی است که اگر نه در تمام جوامع، دست‌کم در بیشتر آنها به‌عنوان سازنده و زیربنای شخصیت و رفتارهای بعدی کودک شناخته شده و حتی به عقیده اغلب روان‌شناسان باید ریشه بسیاری از اختلالات شخصیت و بیماری‌های روانی را در سبک فرزندپروری خانواده جستجو کرد. (بیرامی، ۱۳۸۸) در قرآن و احادیث اسلامی نیز بر اهمیت و شیوه‌های فرزندپروری تأکید شده است. امام سجاد علیه‌السلام فرموده است: «تو (والد) در تربیت و ادب و راهنمایی صحیح او (فرزند) به سوی خدای عزوجل مسئول هستی». (قبادی، ۱۳۸۵)

سبک فرزندپروری، نگرشی است که والدین نسبت به فرزندان خود ابراز می‌کنند. در واقع فرزندپروری، مجموعه نگرش‌ها نسبت به کودک است که به او ابراز می‌شود. این نگرش‌ها در کنار هم فضای احساسی ایجاد می‌کنند که در آن رفتارهای والدین ابراز می‌شود. این رفتارها هم شامل رفتارهای خاص و هدفمند است که از طریق آنها والدین وظایف والدینی و تربیتی خود را انجام می‌دهند و هم شامل رفتارهای غیر هدفمند والدین، مانند اشارات، تغییر در لحن صدا یا ابراز ناخودآگاه احساسات است. (دارلینگ و استرنبرگ، ۱۹۹۳) فرزندپروری به رفتارهای ویژه‌ای گفته می‌شود که جداگانه یا در تعامل با یکدیگر بر رشد کودک تأثیر می‌گذارند. در واقع شیوه فرزندپروری، مبین تلاش‌های والدین برای مهار کودکان‌شان است. (وینسلر، ۲۰۰۵ به نقل از کاویانی، ۱۳۹۸) در سال‌های اخیر تحقیقات بسیاری

درباره سبک‌های فرزندپروری والدین و تأثیرات متفاوت این سبک‌ها بر رشد روانی فرزندان انجام گرفته و سبک‌های فرزندپروری گوناگونی از سوی نظریه‌پردازان مختلف ارائه شده است. (فاطمی‌نیک، فاطمی‌نیک، صفایی‌مقدم، ۱۳۹۴) یکی از مهم‌ترین نظریات درباره سبک‌های فرزندپروری، نظریه دیانا بامریند[1] است. (خلیلی‌فر، کاظمی، جاویدی، ۱۳۹۱) تأکید بامریند برای توصیف رابطه والدین با فرزندان به دو بُعد اساسی کنترل و پذیرش بوده است. منظور از پذیرش، این است که والدین تا چه حد نیازهای فرزندان را می‌پذیرند و منظور از کنترل نیز این است که والدین تا چه حد از کودکان انتظار و درخواست دارند. (نیومن و همکاران، ۲۰۰۸) بنابراین والدین با توجه به بالا یا پایین بودن سطح درخواست‌کنندگی والدینی (کنترل) و پاسخ‌دهی والدینی (پذیرش و حمایت) چهار سبک فرزندپروری ایجاد می‌کنند: «مستبدانه با کنترل بالا و پذیرش پایین»، «مقتدرانه با کنترل بالا و پذیرش بالا»، «سهل‌گیرانه با کنترل پایین و پذیرش بالا» و «مسامحه‌کار با کنترل پایین و پذیرش پایین». (دارلینگ، ۱۹۹۹)

سبک فرزندپروری مستبدانه، والدینی را توصیف می‌کند که حمایت کمتری از خود نشان می‌دهند، فرزندان خود را کنترل می‌کنند و از آنها می‌خواهند قوانین خاصی را دنبال کنند. پاسخگویی کمتر و مطالبه‌گری بالاتر، دو عنصری است که فرزندپروری استبدادی را توصیف می‌کند. والدینی که از نظر درخواست‌کنندگی، نمره بالاتری کسب کرده‌اند و از نظر پاسخ‌دهی پایین‌ترند، والدینی مستبد به شمار می‌آیند. سبک فرزندپروری مقتدرانه برای والدینی به کار می‌رود که پاسخگو، حمایت‌کننده و دل‌بسته به فرزندان خود هستند. پاسخگویی و درخواست‌کنندگی، دو عنصری هستند که فرزندپروری مقتدرانه را توصیف می‌کنند. والدینی که هم از نظر پاسخگویی و هم از نظر درخواست‌کنندگی نمره بالاتری کسب کنند، والدین مقتدری به شمار می‌آیند. (دارلینگ، ۱۹۹۹) آنها در عین حال که بر رفتارهای کودکان‌شان کنترل دارند، برای خواسته‌هایی نیز که از فرزندان خود انتظار

1. Diana Baumrind

دارند، از دلایل و توضیحات منطقی استفاده و قواعد آشکاری را برای رفتار مناسب فرزندان خود تعریف می‌کنند. (استینبرگ و همکاران، ۱۹۹۴) سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه برای والدینی استفاده می‌شود که بیشتر پاسخگو هستند تا اینکه مطالبه کنند یا کنترل داشته باشند. آنها والدینی غیر سنتی و اهل مدارا هستند و الزامی به رفتار کامل ندارند، به نحو قابل ملاحظه‌ای به فرزندان اجازه خودگردانی می‌دهند و از برخورد یا تقابل اجتناب می‌کنند. (بامریند، ۱۹۹۱)

عوامل مختلفی همچون سطح اجتماعی ـ اقتصادی خانواده، سطح اشتغال مادران، سطح تحصیلات والدین، مشکلات زناشویی، افسردگی والدین و جهت‌گیری مذهبی آنها بر سبک فرزندپروری و رابطه‌ای که والدین با فرزند خود دارند، می‌تواند تأثیرگذار باشد. (کریمی زندی و همکاران، ۱۳۹۳) باورهای انسان می‌تواند تمام ابعاد زندگی از جمله سبک فرزندپروری او را تحت تأثیر قرار دهد. فرهنگ نیز که رابطه تنگاتنگی با دینداری و جهت‌گیری مذهبی دارد، بر بسیاری از حوزه‌های زندگی خانوادگی از جمله بر نحوه اجتماعی کردن فرزندان توسط والدین تأثیر می‌گذارد. (کاگیتسی‌باسی، ۱۹۹۶) بنابراین جهت‌گیری مذهبی می‌تواند بر سبک فرزندپروری تأثیرگذار باشد و آن را پیش‌بینی کند. جهت‌گیری مذهبی والدین، نظام عملی مبتنی بر اعتقادات در قلمرو فردی و اجتماعی است که بدون شک در سبک‌های فرزندپروری آنها تأثیر می‌گذارد. (رئیسیان‌زاده، ۱۳۸۹، به نقل از کاویانی، جان‌بزرگی، تقوایی، ۱۳۹۸)

جهت‌گیری مذهبی یا میزان اعتقاد به باورهای مذهبی، روی‌آورد کلی شخص است که از مذهب یا دین برگزیده شد؛ یعنی در ارتباط با موجودی متعالی (قدسی)، مجموعه‌ای از اعتقادها، اعمال و تشریفات خاص را در زندگی دارد. جهت‌گیری مذهبی را می‌توان معادل دین‌ورزی یا دینداری در نظر گرفت. (آذربایجانی، ۱۳۸۲) جهت‌گیری مذهبی در چهل سال گذشته در کانون توجه‌های روان‌شناسی دین، و بیشتر تحقیق‌ها درباره انواع

جهت‌گیری‌های مذهبی بر اساس نظریه گوردون آلپورت[1] بوده است. (کرمی، ۱۳۹۰) آلپورت جهت‌گیری مذهبی را به دو نوع درونی و بیرونی تقسیم کرد. از دیدگاه وی جهت‌گیری مذهبی بیرونی، خصیصه افرادی است که می‌توانند از مذهب برای رسیدن به مقاصد خود استفاده کنند. ارزش‌ها برای آنها، همیشه ابزاری و سودجویانه است. کسانی که جهت‌گیری مذهبی بیرونی دارند، ممکن است مذهب را از جهات مختلفی همچون ایجاد امنیت و آرامش، جامعه‌پذیری، منزلت اجتماعی و توجیه خود سودمند بدانند. در مقابل بالاترین انگیزه افرادی که جهت‌گیری مذهبی درونی دارند، انگیزه مذهبی است و نیازهای دیگر هر اندازه که قوی باشند، از اهمیت کمتری برخوردارند و تا جایی که ممکن است، با اعتقادات و احکام مذهبی تطبیق داده می‌شوند. (آلپورت و راس، ۱۹۶۷)

با بررسی پیشینه پژوهشی، تحقیقی که مستقیماً به بررسی پیش‌بینی سبک‌های فرزندپروری بر اساس جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی پرداخته باشد، یافت نشد. تحقیقاتی که تاکنون صورت گرفته است، اغلب رابطه جهت‌گیری مذهبی را با سلامت روانی مطالعه کرده است. (کرمی، ۱۳۹۰) آن دسته از پژوهش‌های صورت گرفته نیز نتایج متناقضی را نشان می‌دهند. پژوهش ابراهیم‌زاده پارسایی (۱۳۸۷) نشان می‌دهد که والدین مذهبی بیشتر از سبک مقتدرانه بهره می‌جویند و والدین غیرمذهبی بیشتر از سبک سهل‌گیرانه استفاده می‌کنند. پژوهش غلامی جلیسه (۱۳۸۶) نشان داد والدینی که از جهت‌گیری مذهبی بالاتری برخوردارند، در تربیت فرزندان خود از سبک مقتدرانه، و والدینی که جهت‌گیری مذهبی پایین‌تری دارند، از دو سبک فرزندپروری مستبد و سهل‌گیر در تربیت فرزندان خود استفاده می‌کنند. پژوهش قره‌گوزلو (۱۳۹۴) نشان داد که جهت‌گیری مذهبی درونی با سبک فرزندپروری مقتدرانه و نگرش منفی به بزهکاری رابطه مثبت و جهت‌گیری مذهبی بیرونی با سبک‌های فرزندپروری سهل‌گیر و استبدادی، رابطه مثبت دارد. همچنین پژوهش

1. Gordon Allport

کریمی زندی و همکاران (۱۳۹۳) نشان داده است که میان رفتار دینی و سبک مقتدرانه، رابطه معناداری وجود دارد. بر اساس پژوهش صیدی (۱۳۹۳) نیز میان جهت‌گیری مذهبی درونی و سبک فرزندپروری مقتدرانه، و میان جهت‌گیری مذهبی بیرونی و سبک فرزندپروری استبدادی و آسان‌گیر رابطه معناداری وجود دارد. پژوهش یزدانی زازرانی(۱۳۹۳) نشان داده است که همبستگی مثبت قابل قبولی میان جهت‌گیری مذهبی و سبك فرزندپروری مقتدرانه وجود دارد، میان سبك فرزندپروری سهل‌گیرانه با جهت‌گیری مذهبی رابطه معناداری وجود ندارد و میان سبك فرزندپروری استبدادی و جهت‌گیری مذهبی، رابطه منفی معناداری وجود دارد. بنابراین با توجه به خلأ پژوهشی در جامعه آماری مورد تحقیق و نتایج متناقض پژوهش‌ها و اهمیت موضوع سبک‌های فرزندپروری، هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی سبک‌های فرزندپروری بر اساس جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی است.

روش پژوهش

روش این پژوهش، توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش را دانشجویان خانم دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در سال ۱۳۹۹ تشکیل داده است. گروه نمونه، شامل ۱۰۱ نفر خانم متأهل و دارای فرزند هستند که به صورت نمونه در دسترس و داوطلب از بین آنها انتخاب شدند. برای پژوهش‌های همبستگی، حداقل حجم نمونه ۵۰ نفر برای بیان چگونگی رابطه ضرورت دارد. (دلاور، ۱۳۸۵، ص ۹۹) برای جمع‌آوری اطلاعات نیز از پرسشنامه‌های زیر استفاده شده است.

پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی آلپورت

آلپورت و راس در سال ۱۹۶۷ این مقیاس را برای سنجش جهت‌گیری‌های مذهبی درونی و برونی تهیه کردند. این ابزار، دارای ۲۱ گویه است که پاسخ هر گویه با استفاده از مقیاس چهار درجه‌ای لیکرت (کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) از ۱ تا ۴ نمره‌گذاری می‌شود.

در این مقیاس گویه‌های ۱ تا ۱۲، برای سنجش جهت‌گیری مذهبی بیرونی و گویه‌های ۱۳ تا ۲۱، برای سنجش جهت‌گیری مذهبی درونی به کار می‌رود. هر چه نمره آزمودنی در یک مقیاس بیشتر باشد، به میزان بیشتری دارای آن ویژگی است. این آزمون در سال ۱۳۷۷ در ایران ترجمه و هنجاریابی شده است که اعتبار و روایی آن توسط جان‌بزرگی (۱۳۷۷) به دست آمده است. همسانی درونی آن با استفاده از آلفای کرونباخ ۷۱٪ و پایایی بازآزمایی آن ۷۴٪ است. (مختاری، ۱۳۷۹)

پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری دیانا بامریند

برای سنجش سبک‌های فرزندپروری، از پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری دیانا بامریند (۱۹۷۳) استفاده شده است که دارای ۳۰ گویه است. ۱۰ گویه آن به شیوه سهل‌گیرانه، ۱۰ گویه به شیوه مستبدانه و ۱۰ گویه دیگر به شیوه مقتدرانه مربوط می‌شود. گویه‌های شماره ۱، ۶، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۲۴ و ۲۸ به سبک سهل‌گیرانه و شماره‌های ۲، ۳، ۷، ۹، ۱۲، ۱۶، ۱۸، ۲۵، ۲۶ و ۲۹ به سبک استبدادی و گویه‌های ۴،۳، ۵، ۸، ۱۱، ۱۵، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۷ و ۳۰ به سبک مقتدرانه مربوط می‌باشند. در مقابل هر گویه ۵ ستون (کاملاً موافقم، تا حدودی موافقم، تا حدودی مخالفم، مخالفم، کاملاً مخالفم) به ترتیب از ۰ تا ۴ نمره‌گذاری شده است که با جمع نمره‌های گویه‌های مربوط به هر سبک و تقسیم آن بر تعداد گویه‌ها، نمره مجزا در آن سبک به دست می‌آید. میزان اعتبار این پرسشنامه با روش بازآزمایی برای شیوه‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه به ترتیب ۸۱ ٪ ، ۸۵ ٪ و ۹۲ ٪ گزارش شده است. اسفندیاری (۱۳۷۴) اعتبار بازآزمایی این پرسشنامه را برای سهل‌گیرانه ۶۹ ٪، برای مستبدانه ۷۷٪ و برای مقتدرانه ۷۳٪ گزارش کرده است. (ساعتچی، کامکاری، عسگریان، ۱۳۸۹، ص ۲۴۳)

یافته‌های پژوهش

در این بخش ابتدا یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش و سپس همبستگی و نتایج

رگرسیون ارائه می‌شود. اطلاعات توصیفی شامل میانگین، انحراف استاندارد، کمینه، بیشینه، کجی و کشیدگی در جدول شماره (۱) ارائه شده است.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل نمره	حداکثر نمره	کجی	کشیدگی
جهت‌گیری مذهبی درونی	۲۳/۶۷	۲/۸۸	۱۴	۳۴	-۰/۴۳	۰/۶۵
جهت‌گیری مذهبی بیرونی	۲۴/۶۶	۴/۶	۱۴	۳۰	-۰/۱۵	-۰/۵۰
سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه	۱۶/۴۲	۴/۸۵	۲	۳۲	۰/۲۵	۰/۹۸
سبک فرزندپروری مستبدانه	۱۰/۱۰	۴/۹	۱	۲۶	۰/۴۹	۰/۴۹
سبک فرزندپروری مقتدرانه	۳۳/۴	۳/۵	۲۷	۴۰	۰/۷۲	-۰/۹۵

جهت بررسی نرمال بودن داده‌ها، از شاخص‌های کجی و کشیدگی استفاده شده است. برخی آمارشناسان تفسیر ۱+ تا ۱- را در مورد کجی و کشیدگی یا هر دو ترجیح می‌دهند؛ (میرز، گامست و گارینو[1]، ۱۳۹۱) به این معنا که چنانچه مقدار کجی و کشیدگی بیشتر از مقدار ۱+ یا ۱- باشد، به عنوان شاخصی برای انحراف از نرمال بودن تلقی می‌شود. نتایج بررسی شاخص‌های چولگی و کشیدگی نشان می‌دهد که متغیرهای پژوهش در دامنه ۱+ تا ۱- قرار دارند و بدین معناست که متغیرهای پژوهش انحراف قابل‌توجهی از توزیع نرمال ندارند و می‌توانیم توزیع نرمال یا نزدیک به نرمال متغیرهای پژوهش را پذیرفت.

برای بررسی همبستگی میان متغیرها، از آزمون آماری همبستگی پیرسون استفاده شده است که نتیجه آن در جدول شماره (۲) مشاهده می‌گردد.

1. Meyers,Gamst,Guarino

جدول ۲. ماتریس ضرایب همبستگی متغیرهای تحقیق

متغیرها	جهت‌گیری درونی	جهت‌گیری بیرونی	سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه	سبک فرزندپروری مستبدانه	سبک فرزندپروری مقتدرانه
جهت‌گیری مذهبی درونی	۱				
جهت‌گیری مذهبی بیرونی	-۰/۱۷	۱			
سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه	-۰/۱۹	۰/۳۱**	۱		
سبک فرزندپروری مستبدانه	۰/۲۱*	۰/۰۳	۰/۱۲	۱	
سبک فرزندپروری مقتدرانه	-۰/۰۷	۰/۲۰*	-۰/۰۸	-۰/۲۰*	۱

**level P < 0.05* P < 0.01

همان‌گونه که در جدول (۲) ملاحظه می‌شود، رابطه جهت‌گیری مذهبی درونی با سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه (۰/۱۹-)، سبک فرزندپروری استبدادی (۰/۲۱*) و سبک فرزندپروری مقتدرانه (۰/۰۷-) به دست آمده است که رابطه میان جهت‌گیری مذهبی درونی با سبک فرزندپروری مستبدانه در سطح (۰/۰۵) مثبت و معنادار است و با سبک فرزند پروری سهل‌گیرانه و مقتدرانه، معنادار نیست. رابطه جهت‌گیری مذهبی بیرونی با سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه (۰/۳۱**) و در سطح (۰/۰۱)، مثبت و معنادار و با سبک فرزندپروری مستبدانه (۰/۰۳)، غیر معنادار و با سبک فرزندپروری مقتدرانه (۰/۲۰*) و در سطح (۰/۰۵) معنادار است.

در ادامه به منظور بررسی پیش‌بینی سبک‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه از روی جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی از روش آماری رگرسیون به شیوه هم‌زمان استفاده شده است. در اجرای اول جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی، به عنوان پیش‌بینی کننده سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه وارد معادله رگرسیون و مقدار ضریب بتای سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه بر جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی محاسبه شده است.

نتایـج رگرسـیون در جـدول شـماره (۳) به‌صـورت ضرایـب اسـتاندارد بتـا مشخص‌شـده اسـت.

جدول ۳. رگرسیون سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه بر روی جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی

متغیر پیش‌بین	متغیرهای ملاک	B (بتا)	T	R	R۲	F	P
جهت‌گیری مذهبی درونی	سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه	۰/۰۴	۰/۳۶	۰/۳۱	۰/۱۰	۵/۱۲	۰/۷۲
جهت‌گیری مذهبی بیرونی		۰/۳۱	۳/۲				۰/۰۰۲

همان‌گونـه کـه در جـدول شـماره (۳) مشـاهده می‌شـود، ضریـب بتـای سـبک فرزندپـروری سـهل‌گیرانه بـر روی جهت‌گیـری مذهبـی درونـی (۰/۰۴) و سـطح (۰/۷۲)، معنـادار بـه دسـت نیامـد. ضریـب بتـای سـبک فرزندپـروری سـهل‌گیرانه بـر روی جهت‌گیـری مذهبـی بیرونـی (۰/۳۱) و در سـطح (۰/۰۰۲) معنـادار بـه دسـت آمـد. ایـن یافتـه نشـان می‌دهـد کـه جهت‌گیـری مذهبـی درونـی پیش‌بینـی کننـده سـبک فرزندپـروری سـهل‌گیرانه نیسـت و جهت‌گیـری مذهبـی بیرونـی پیش‌بینـی کننـده سـبک فرزندپـروری سـهل‌گیر اسـت.

در اجـرای دوم، پیش‌بینـی سـبک فرزندپـروری مسـتبدانه بـر روی جهت‌گیـری مذهبـی درونـی و بیرونـی بررسـی شـده و مقـدار ضریـب بتـای هـر کـدام از آنهـا بـر روی سـبک فرزندپـروری مسـتبدانه محاسـبه گردیـده اسـت. نتایـج رگرسـیون در جـدول شـماره (۴) بـه صـورت ضریـب بتـا نشـان داده شـده اسـت.

جدول ۴. رگرسیون سبک فرزندپروری مستبدانه بر روی جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی

متغیر پیش‌بین	متغیرهای ملاک	B (بتا)	T	R	R2	F	P
جهت‌گیری مذهبی درونی	سبک فرزندپروری مستبدانه	۰/۲۲	۲/۲	۰/۲۲	۰/۰۵	۲/۵	۰/۰۳
جهت‌گیری مذهبی بیرونی		۰/۰۷	۰/۷۰				۰/۴۸

همان‌گونه که نتایج جدول (۴) نشان می‌دهد، ضرایب بتای سبک فرزندپروری استبدادی بر روی جهت‌گیری مذهبی درونی (۰/۲۲) و در سطح (۰/۰۳) معنادار به دست آمد و ضرایب بتای سبک فرزندپروری استبدادی بر روی جهت‌گیری مذهبی بیرونی (۰/۰۷) و در سطح (۰/۴۸) معنادار به دست نیامد. این یافته حاکی از آن است که جهت‌گیری مذهبی درونی، پیش‌بینی کننده سبک فرزندپروری مستبدانه است و جهت‌گیری مذهبی بیرونی، پیش‌بینی کننده سبک فرزندپروری مستبدانه نیست.

در اجرای سوم، پیش‌بینی سبک فرزندپروری مقتدرانه بر روی جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی مورد تحلیل قرار گرفت. مقدار ضریب بتای هر کدام از متغیرها بر روی سبک فرزندپروری مقتدرانه و نتایج رگرسیون در جدول شماره (۵) نشان داده شده است.

جدول ۵. رگرسیون سبک فرزندپروری مقتدرانه بر روی جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی

متغیر پیش‌بین	متغیرهای ملاک	(بتا) B	T	R	R2	F	P
جهت‌گیری مذهبی درونی	سبک فرزندپروری مقتدرانه	-۰/۰۳	-۰/۳	۰/۲۰	۰/۰۴	۲/۱۰	۰/۷۳
جهت‌گیری مذهبی بیرونی		۰/۱۹	۱/۹۲				۰/۰۵۷

نتایج جدول شماره (۵)، حاکی از آن است که ضرایب بتای سبک فرزندپروری مقتدرانه بر روی جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی به ترتیب (۰/۰۳-) و (۰/۱۹) و در سطح (۰/۷۳) و (۰/۰۵۷) معنادار به دست نیامده است. این یافته حاکی از آن است که جهت‌گیری مذهبی در دو سطح درونی و بیرونی، پیش‌بینی کننده سبک فرزندپروری مقتدرانه نمی‌باشد. (پاشاشریفی و دیگران، ۱۳۹۱)

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به منظور پیش‌بینی سبک‌های فرزندپروری والدین، بر اساس جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی آنها صورت گرفته است. نتایج بررسی داده‌ها در مورد سؤال اول، حاکی از آن است که جهت‌گیری مذهبی بیرونی با سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه، رابطه معنادار دارد و آن را پیش‌بینی می‌کند. این یافته با پژوهش‌های ابراهیم‌زاده پارسایی (۱۳۸۷)، غلامی جلیسه (۱۳۸۶)، قره‌گوزلو (۱۳۹۴) و صیدی (۱۳۹۳) همسوست. در تبیین این یافته می‌توان گفت والدینی که جهت‌گیری مذهبی بیرونی دارند، به منظور اجتناب از سبک‌های تربیتی سنتی و دوری کردن از سخت‌گیری و نیز عدم آشنایی با سبک فرزندپروری مناسب به دام سهل‌گیری افتاده‌اند. در تبیین سهل‌انگاری این والدین، شاید بتوان والدین آنها را نیز در نظر گرفت. با توجه به اینکه طبق پژوهش آلپورت و راس (۱۹۶۷)، میان جهت‌گیری مذهبی بیرونی افراد با سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه والدین آنها رابطه معنادار وجود دارد؛ بنابراین والدین با جهت‌گیری مذهبی بیرونی معمولاً با سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه تربیت شده و برای تربیت فرزندان‌شان نیز همین سبک را در پیش گرفته‌اند.

نتایج بررسی داده‌ها در مورد سؤال دوم، نشان داده است که جهت‌گیری مذهبی درونی، سبک فرزندپروری مستبدانه را پیش‌بینی می‌کند. این یافته با پژوهش بوکانی (۱۳۹۳) همسوست. پژوهش بوکانی (۱۳۹۳) نشان داد که جهت‌گیری مذهبی درونی با سبک فرزندپروری مستبدانه، رابطه معنادار دارد. در واقع والدین با جهت‌گیری مذهبی درونی برای تربیت دینی فرزندان خود و اهمیت فرزندپروری و احساس وظیفه در مقابل فرزندان خود و نیز برای جلوگیری از سهل‌انگاری و بی‌اطلاعی از سبک فرزندپروری مناسب، محدودیت‌های فراوانی برای فرزندان تعریف می‌کنند و از آنجا که درخواست‌های فرزندان بیش از سطح حمایت‌های والدین است، دچار سبک مستبدانه می‌شوند. همچنین نتایج نشان داد که جهت‌گیری مذهبی بیرونی با سبک فرزندپروری مستبدانه، رابطه معنادار

ندارد و آن را پیش‌بینی نمی‌کند. این یافته با پژوهش غلامی جلیسه (۱۳۸۶)، قره‌گوزلو (۱۳۹۴) و صیدی (۱۳۹۳) ناهمسوست. در تبیین این موضوع می‌توان به تفاوت در سطح تحصیلات و تفاوت در جامعه آماری پژوهش‌ها اشاره کرد. اغلب جامعه آماری این پژوهش از تحصیلات سطح عالی برخوردار هستند و پژوهش توکلی (۱۳۹۰)، عامل تحصیلات دانشگاهی را موجب تفاوت در سبک‌های فرزندپروری می‌داند.

نتایج بررسی داده‌ها در مورد سؤال سوم نشان داده است که جهت‌گیری مذهبی در دو سطح درونی و بیرونی، سبک فرزندپروری مقتدرانه را پیش‌بینی نمی‌کند؛ هرچند که یافته‌ها نشان می‌دهند که جهت‌گیری مذهبی بیرونی با سبک فرزندپروری مقتدرانه، ارتباط معناداری دارد. پژوهش‌های انجام شده در این‌باره، وجود رابطه میان جهت‌گیری مذهبی درونی را با سبک فرزندپروری مقتدرانه تأیید می‌کند، اما غالب پژوهش‌ها به پیش‌بینی این متغیرها نپرداخته‌اند.

فهرست منابع

کتب

۱. آذربایجانی، مسعود، ۱۳۸۲ش، *تهیه و ساخت آزمون جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام*، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

۲. دلاور، علی، ۱۳۸۵ش، *روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی*، تهران: نشر ویرایش.

۳. ساعتچی، محمود و کامبیز کامکاری و مهناز عسگریان، ۱۳۸۹ش، *آزمون‌های روان‌شناختی*، تهران: نشر ویرایش.

۴. قبادی، محمدصادق، ۱۳۸۵ش، *سیمای مؤمنین*، ترجمه رساله الحقوق امام سجاد علیه‌السلام، قم: انتشارات حلم.

۵. میرز، لاورنس اس. و گل گامست و ا. ج. گارینو، ۱۳۹۱ش، *پژوهش‌های چند متغیری کاربردی*، ترجمه حسن پاشا شریفی و دیگران، تهران: رشد.

مقالات و پایان‌نامه‌ها

۱. ابراهیم‌زاده پارسایی، ملیحه، ۱۳۸۷، «مقایسه سبک‌های فرزندپروری والدین مذهبی و غیرمذهبی»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته روانشناسی عمومی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.

۲. بیرامی، منصور، ۱۳۸۸، «تأثیر آموزش مهارت‌های فرزندپروری به مادران پسران دبستانی مبتلا به اختلالات بیرونی‌سازی شده بر سلامت روانی و شیوه‌های تربیتی»، *مجله علمی پژوهشی اصول بهداشت روانی*، سال ۱۱، ش ۲، ص ۱۱۴ـ۱۰۵.

۳. خلیلی‌فر، مینا و سلطان‌علی کاظمی و حجت‌اله جاویدی، ۱۳۹۲، «مطالعه تاثیر سبک فرزندپروری والدین بر سبک جهت گیری مذهبی در دانش آموزان پایه سوم دوره متوسطه شهر شیراز»، *پژوهش‌نامه تربیت تبلیغی*، سال اول، ش ۱، ص ۸۲ـ۵۷.

۴. غلامی جلیسه، سمیه، ۱۳۸۶، «نقش جهت‌گیری مذهبی والدین در سبک فرزندپروری و خشونت»، دانشگاه علوم تربیتی و روانشناسی، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه تهران.

۵. فاطمی‌نیک، طیبه و فاطمه فاطمی‌نیک و صفا صفایی‌مقدم، ۱۳۹۴، «شیوه‌های فرزندپروری در اسلام»، همایش بین‌المللی روانشناسی و فرهنگ زندگی.

۶. قره گوزلو، نادیا، ۱۳۹۴، «نقش تیپ شخصیتی و جهت‌گیری مذهبی والدین در پیش‌بینی سبک‌های فرزندپروری و گرایش نوجوانان به بزهکاری»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، اردبیل، دانشگاه محقق اردبیلی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.

۷. کاویانی، زهرا و مسعود جان‌بزرگی و داود تقوایی، ۱۳۹۸، «پیش‌بینی حرمت خود فرزندان بر اساس سبک‌های فرزندپروری والدین و پایبندی مذهبی مادران»، *دوفصلنامه مطالعات اسلام و روانشناسی*، دوره ۱۳، ش ۲۴، ص ۶۲ـ۴۹.

۸. کرمی، مرتضی، ۱۳۹۰، «مقایسه جهت‌گیری مذهبی دانشجویان جدیدالورود با دانشجویان در حال فارغ‌التحصیل»، دوفصلنامه مطالعات اسلام و روانشناسی، دوره ۵، ش ۸، ص ۸۴ ـ ۷۱.
۹. کریمی زندی، محسن و هادی بهرامی احسان و محمدرضا رضازاده و فاطمه پورحسینی، ۱۳۹۳، «بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی و سبک‌های فرزندپروری با الگوی فرزندپروری سالم»، کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی، قم.
۱۰. مختاری، عباس، ۱۳۷۹، «بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی و مؤلفه‌های خودپنداشت با میزان تنیدگی در دانشجویان دانشگاه تهران و تربیت مدرس»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۱. یزدانی زازرانی، صفورا، ۱۳۹۳، «بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری با جهت‌گیری مذهبی والدین»، نخستین همایش ملی علوم تربیتی و روان‌شناسی، مرودشت.

منابع انگلیسی

1. Allport, G. W. Ross, G. M. (1967). Personal Religious and Prejudice .Journal of Personality and Social Psychology, 5: 432-443.
2. Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. JOURNAL OF EARLY ADOLESCENCE, 11(1), 56-95.
3. Darling, N. (1999). Parenting style and its correlates, ERIC Digest. ERIC Clearinghouse on Elementary and Early Childhood Education Champaign IL. (ED 427896).
4. Darling, N. Sternberg, L. (1993). Parenting style as context: An integrative model. Psychological Bulletin, 113, 487-496.
5. Kagitcibasi, C. (1996). Family and human development across cultures. Mahwah, NJ, Erlbaum.
6. Newman, K. Harrison, L. Dashiff, C. Davies, S. (2008), relationship between parenting style and risk behaviors in adolescent health: an integrative literature review, Rev latino, am enfermagem, janeiro, fevereiro, 16(1):142-50.
7. Rosli, Noor A. "Effect of Parenting Styles on Children's Emotional and Behavioral Problems among Different Ethnicities of Muslim Children in the U.S." (2014). Dissertations (1934). 376.
8. Steinberg, L. Lamborn, S. D. Darling, N. Mounts, N. S. & Dornbusch, S. M. (1994). Over-time changes in adjustment and competence among adolescents from authoritative, authoritative,indulgent, and neglectful families. Child Development, 65, 754 _ 770.